



همه را دوست بداریم

مؤلف: علیرضا برازش

برازش، علیرضا، ۱۳۳۴ -
 همه را دوست بداریم / مولف علیرضا برازش. تهران: وزارت آموزش و پرورش.
 معاونت پرورشی، مؤسسه فرهنگی منادی تربیت، ۱۳۸۶. ۹۶ ص. ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
 فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا
 ISBN 978-964-348-572-6
 کتاب حاضر در سال‌های مختلف توسط ناشران متفاوت منتشر شده است.
 کتابخانه: ص. ۹۶-۹۲. دوستی (اسلام). دوستی.
 ایران، وزارت آموزش و پرورش. مؤسسه‌ی فرهنگی منادی تربیت.
 ۱۳۸۶ هـ.ق/۶۵/۹۶ BP
 ۱۳۸۶ کتابخانه ملی ایران

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا (فهرست‌نویسی پیش از انتشار).



مؤسسه فرهنگی منادی تربیت

همه را دوست بداریم

نویسنده: علیرضا برازش

طراح جلد و صفحه‌آرا: احمد قائمی مهدوی

لینتوگرافی: پدیده گرافیک

چاپ و صحافی: کامیاب

چاپ اول: ۱۳۸۶

تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۵۰۰۰ ریال

ISBN 978-964-348-572-6

info@monadi-tarbiyat.ir

شابک ۶-۵۷۲-۳۴۸-۹۶۴-۹۷۸

WWW.monadi-tarbiyat.ir

تهران، خیابان نجات الاهی، بعد از چهارراه سمیه، کوچه بیمه، شماره ۵۰

تلفن پخش: ۸۸۹۴۲۹۲

نمابر: ۸۸۹۴۲۹۰

فهرست

۵	مقدمه
۹	داستان اول
۱۳	داستان دوم
۱۵	داستان سوم
۱۹	داستان چهارم
۲۱	داستان پنجم
۲۳	داستان ششم
۲۴	سفارش اول
۲۶	سفارش دوم
۲۶	سفارش سوم
۲۹	معنا و مفهوم محبت
۳۱	گستره‌ی صفات و رفتار محبت‌آمیز
۳۷	لغزشگاه لغوی

۴۱	چه کسانی را دوست بداریم ؟
۴۵	دوست داشتن گناهکاران ، بدکاران و خطاکاران
۴۹	دلایل دوست داشتن همگان
۵۰	دلایل ده گانه ی ضرورت دوست داشتن همگان
۵۰	دلیل اول - همه از خدایم
۵۳	دلیل دوم - خداگونگی
۵۵	دلیل سوم - بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
۵۷	دلیل چهارم - همویی با هدف خلقت
۶۲	دلیل پنجم - عَلَتْ آغَازِیْنِ خَلَقْتَ
۶۳	دلیل ششم - اطاعت امر
۶۵	دلیل هفتم - اقتدا به الگو
۶۷	دلیل هشتم - رفتار متقابل
۶۹	دلیل نهم - اثبات محبت از منظر شکر و سپاسگزاری
۷۰	دلیل دهم - اثبات محبت از منظر دعا
۷۳	شبهات چهار گانه
۷۵	پاسخ جامع و فراگیر به شبهات چهار گانه
۷۶	شبهه ی اول - دستورات مقابله به مثل
۷۹	شبهه ی دوم - خداوند ظالم و کافر و مسرف و گناهکار را دوست
۸۱	شبهه ی سوم - دستورات اولیاء دین به عدم دوستی با بعضی افراد و گروه ها
۸۴	شبهه ی چهارم - مبحث جاذبه و دافعه
۸۵	خلاصه ی مبحث پاسخ به شبهات
۸۶	مرز گذر از روش های محبت آمیز به روش های قهر آمیز
۹۲	پی نوشت ها

مقدمه

به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست
عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست

«سعدی شیرازی»

آیا می توان عاشق همه ی عالم شد، همه را دوست داشت و به همه
عشق ورزید؟

عشق و محبت و رحمت گنجینه ای است که هر چه از آن بیخشی، نه
تنها کاستی نمی پذیرد که فزونی می یابد.

عشق و دوستی و خیرخواهی، چشمه ای است که اگر مانع جوشش و
فوران آن نشوی، هر قدر دیگران را سیراب کند، خودت را نیز تطهیر کرده
و شاداب و شاداب تر می کند.

هر چند فطرت بشر، بر محبت و دوستی و حسن ظن سرشته شده، لکن
شرایط، آموزه ها، رفتارها و تربیت های ناصحیح ما را بدانجا کشانده
است که بازگشت به این اصل، محتاج تمرین و طی مسیری نه چندان کوتاه
است. بیش از آن چه برای دوست داشتن دیگران تلاش کنیم، میل و توقع
داریم که دیگران دوستانه بدارند. و آن گاه که صحبت از گستره ی محبت
می شود، فکر می کنیم دایره ی آن، حداکثر وابستگان را در بر می گیرد و
یا کسانی که حقی بر گردن ما دارند و در نهایت آنان که در مقابل محبت



ما، خیری هم به ما می‌رسانند. درواقع یک معامله!! ولی، مدّعی این نوشتار فراتر از این‌هاست.

نگارنده معتقد است می‌توان و باید همه را دوست داشت. نه فقط فرزند و همسر، بستگان و دوستان، بلکه همه را، بدون محدودیت، بدون شرط، بی‌مرز، بی‌استثناء، نه به امید جلب منافع مادی و حتی معنوی، حتی بدون انتظار پاداش، خالص و ناب.

همه را، حتی آنان را که ما را دوست ندارند، حتی آنان را که موجبات ناخشنودی ما را فراهم کرده‌اند و حتی آنان را که بدخواه ما هستند؛ و نیز آنان را که بر راه و طریق مورد قبول ما گام بر نمی‌دارند. همه را، حتی آنان را که هیچ‌کس دوستانشان ندارد.

در مقام نقد می‌توان گفت: آیات متعدّدی از کتاب خدا به صراحت بیان می‌کند که؛ خدا کافر و ظالم و مسرف و فاسق را دوست ندارد، و واقعیّات تاریخی را نیز نمی‌توان نادیده گرفت که انبیاء و اولیاء درگیر جنگ‌ها و نبردهای متعدّدی شده‌اند و با دشمن جنگیده‌اند. و اصلاً کم‌تر مصلحی می‌توان یافت که این شعار را به این گستردگی مطرح کرده باشد و در عمل نیز کم‌تر دیده‌ایم که کسی، همه را دوست بدارد. ولی مگر کلام صریح پروردگار را فراموش کرده‌اید که علی‌رغم مقبولیت شکر و قدردانی می‌فرماید: «فقط اندکی از بندگان شکر گزارند؛ لذا عمل نکردن اکثریت مردم، دلیل ناصحیح بودن آن فعل نیست.

به هر حال ما در پی آنیم این باور را ایجاد کنیم که خداوند همه را، حتی کافر و ظالم و مسرف و فاسق را دوست دارد و تو نیز باید همه را دوست بداری. در پی آنیم این حقیقت را عیان کنیم که انبیاء و اولیاء و مصلحان، همه را دوست داشتند حتی دشمنانشان را.

شاید بگویی ترسیم چهره‌ی خشن از اسلام و مسلمانان، نگارنده را به



نحوی برانگیخته که در جهت تفریط، از سوی دیگر بام در معرض سقوط است. نه آن افراط و نه این تفریط. ولی با تعقیب فصول این نوشتار، ان شاء الله روشن خواهد شد که، دور از افراط و تفریط و تا سر حد امکان، واقع بینانه، به موضوع پرداخته ایم. هدف، بیان شعارگونه و بی منطق نبوده و نیست، استدلال کافی وجود دارد که این باور را در خوانندگان عزیز پدید آورد که؛ می توان و باید همه را دوست بداریم.

و شاید در بدو امر در ظاهر تناقض آشکاری مشاهده شود، زیرا این که خداوند کافر و ظالم و فاسق را دوست ندارد، صریح قرآن است، جنگ و قصاص و تعزیر از مسلمات تاریخی و فقهی است، دستور به بغض و دشمنی نسبت به دشمنان خدا صریح آیات و روایات و ادعیه است؛ حال چگونه نگارنده ادعا می کند باید همه را دوست بداریم؟

گویا چاره ای نیست، باید همسفر شویم و در طی صفحات و فصول این نوشتار، گستره ی دوست داشتن همگان را همدلانه طی کنیم، شبهات را یکایک کالبدشکافی کرده و پاسخ دهیم تا بدانجا که تک تک سلول هایمان وجدان کنند که می توان و باید همه را دوست بداریم.

حال اگر در میانه ی یا پایان راه، دریافتی که می توان و باید همه را دوست داشت، در نظر و تئوری توقف نکن، این نوشتار، کتاب عمل است. شیرینی دوست داشتن همگان، نه در اعتقاد به آن، بلکه در عمل کردن بدان بر جان می نشیند، هر چند «وصف العیش، نصف العیش» است ولی امیدوارم نیمه ی دوم این عیش را نیز در گذر از وصف، و با عمل کردن بدان، دریابی.

عشق عملی به همگان، هیچ مرزی برای توقف ندارد، هر روز و هر لحظه می توان بر گستره، و نیز بر کیفیت این عشق و محبت افزود و لذت آن را هر چه بیش تر چشید و چشاند. هر چند دوست داشتن همگان



با این گستره، همچون رؤیایی دست نیافتنی به نظر می‌رسد؛ و هرچند تصور دنیایی که همه یکدیگر را دوست بدارند همچون ایده‌آلی ذهنی، در عمل دور از دسترس به نظر می‌آید، با این وجود در صحت این نظریه شک نکنید، و برای شروع کردن به عمل، این اصل را یادآور شوید که «وصول به اهداف بزرگ نیز با برداشتن گام‌های کوچک آغاز می‌شود».

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید

بحث را با ذکر چند داستان از زندگی الگوهای بشریت آغاز می‌کنیم، در هر داستان، قهرمان ما، در مقابل فرد یا افرادی مهربانانه عمل می‌کند که شریر و بدکار و خطاکار و گمراه بودندشان مسلم و مسلّم است. و از برخورد مهربانانه‌ی قهرمان داستانمان با خطاکاران و گمراهان و بدکاران، بی‌می‌بریم؛ حال که قهرمان ما، بدترین افراد را دوست دارد، حال که از بذل محبت به این خطاکاران، دریغ نمی‌کند، چگونه می‌تواند افراد دیگر را دوست نداشته باشد؟ معلّمی که بی‌ادب‌ترین، بی‌ایمان‌ترین و نابکارترین شاگرد کلاس را دوست دارد و با او از در محبت درمی‌آید، چگونه ممکن است سایر اعضای کلاس را دوست نداشته باشد؟ و چون قهرمانان داستان‌های ما، الگوهای بشریتند، حاصل پیام آن است که:

ای انسان‌ها! باید همه را دوست بدارید، باید با همه از در محبت و رحمت وارد شوید. باید تغافل کنید، عفو کنید، چشم‌پوشی کنید، خیرخواه باشید، کارگشایی کنید، خواهان سلامت، موفقیت و سعادت پایدار همه باشید، بی‌کم و کاست، بی‌شرط. با تمام وجود، بی‌استثناء. فراگیر و جهان‌شمول. و بدون انتظار پاداش.

دوستدار همه‌ی انسان‌ها

علیرضا برازش

فروردین ۱۳۸۱